

گزارش شماره ۱ بولتن بررسی مسائل اقتصاد روز ایران:

اقتصاد زیرزمینی؛

دلایل بروز، تبعات و راهکارهای مبارزه

خلاصه مدیریتی

گزارش حاضر با هدف بررسی اقتصاد زیرزمینی با رویکرد نهادی، به بازبینی مفاهیم، دیدگاه‌ها، دلایل و ابعاد آن در مطالعات جهانی و نیز در اقتصاد ایران تهیه شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که حجم اقتصاد زیرزمینی تا حد زیادی متأثر از عوامل نهادی و ویژگی‌های اقتصادی یک کشور است.

پس از مقدمه، در بخش دوم این گزارش، به ارائه تعاریف موجود از این پدیده پرداخته شده است. اقتصاد زیرزمینی پدیده‌ای در بر گیرنده تمام فعالیت‌هایی معرفی می‌شود که به عللی در حساب‌های ملی ثبت نمی‌شوند. حجم بالای این فعالیت‌ها که به معنی حجم زیاد اقتصاد زیرزمینی است، می‌تواند سبب ایجاد تعارضاتی بین نتایج ناشی از سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر تئوری و واقعیات مشاهده شده در اقتصاد شود. به همین دلیل شناخت اقتصاد زیرزمینی، آگاهی از ابعاد و نیز عوامل ایجاد و تقویت کننده آن، می‌تواند کمک شایانی به افزایش دقت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های صحیح و مؤثر نماید. این مسئله به ویژه برای کشورهای در حال توسعه که میزان تولید ناخالص داخلی رسمی آنها نسبت به کشورهای پیشرفته کمتر است، از جمله ایران، امری بسیار حیاتی است.

در بخش سوم به مرور ادبیات موجود در این باب پرداخته شده و دو دیدگاه غالب در مورد عوامل ایجاد کننده اقتصاد زیرزمینی معرفی می‌شود. یک دیدگاه بار مالیاتی و تامین اجتماعی را به عنوان عامل اصلی معرفی کرده و دیدگاه دوم، با نگاهی بسیط‌تر و جامع‌تر، علل ایجاد و گسترش اقتصاد زیرزمینی را وجود نقصان‌های نهادی می‌داند. از منظر دیدگاه اول، می‌توان گفت بار مالیاتی در صورتی که در اثر عدم کارایی و بازدهی اندک سیستم مالیاتی ایجاد شده باشد، احتمالاً سبب افزایش اقتصاد زیرزمینی می‌شود. اما دیدگاه دوم معتقد است که اقتصاد زیرزمینی را نمی‌توان تنها یک موضوع اقتصادی صرف دانست و مهم‌تر از نقش بار مالیاتی و تامین اجتماعی در ایجاد اقتصاد زیرزمینی، چگونگی به‌کارگیری کارآمد سیستم مالیاتی، قوانین و سیاست‌گذاری توسط دولت به طور خاص و کیفیت بستر حقوقی و چارچوب نهادی به طور عام است.

بخش چهارم و پنجم، به ترتیب به بررسی تاثیر نهادها و سایر عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش اقتصاد زیرزمینی می‌پردازد. در این بخش‌ها نقصان‌های نهادی از قبیل وجود فساد، عدم امنیت حقوق مالکیت، بار سنگین مقررات، کیفیت پایین خدمات دولتی، عدم پاسخ‌گویی دولت و نیز درجات اندک دموکراسی در کنار عواملی همچون نرخ بالای بیکاری، از علل اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی برشمرده می‌شود.

در بخش ششم اثر وجود بخش زیرزمینی بر کل اقتصاد بازبینی شده و این‌گونه مطرح می‌شود که عدم کارایی نهادها به واسطه نقصان‌های مذکور، موجب بالا رفتن هزینه‌های معاملاتی و در نتیجه تشویق صاحبان کسب و کار به دور زدن قوانین و ساختارهای نهادی رسمی و حرکت به سمت بازار غیررسمی می‌شود. از طرفی قانون‌گریزی موجود در فعالیتهای غیررسمی منجر به اختلال جدی در نظم قانونی جامعه شده و نبود حاکمیت قانون منجر به عدم حفاظت از حقوق مالکیت می‌شود. چنین ساختاری فعالان اقتصادی را به سمت مبادلات شخصی غیررسمی که مشخصه کشورهای توسعه نیافته است سوق داده و در نتیجه سبب استمرار توسعه نیافتگی می‌شود. علاوه بر آن، حجم بالای فعالیتهای غیررسمی، به معنی افزایش فرار مالیاتی و در نتیجه کاهش درآمد دولت است. تشدید آثار تورمی سیاست‌های پولی و مالی، اخلاص در نتایج مورد انتظار سیاست‌های دولت، کاهش توان تولیدی کشور، کاهش بهره‌وری و در نهایت کاهش رشد اقتصادی از دیگر آثار حجم بالای اقتصاد زیرزمینی است.

بخش هفتم به‌طور خاص به بررسی اقتصاد زیرزمینی در ایران، مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در این باب و علل ذکر شده در این مطالعات می‌پردازد. تا کنون مطالعات مختلفی با هدف برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران انجام شده است. بر اساس یافته‌های یکی از مطالعات اخیر، حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران در دوره ۴۰ ساله ۹۲-۱۳۵۳ روندی افزایشی داشته و از ۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۳ به ۳۸٫۵ درصد در سال ۱۳۹۲ بالغ شده است. همچنین پیش‌بینی‌ها حاکی از ادامه این روند افزایشی برای سال‌های برنامه ششم (۹۹-۱۳۹۵) است که البته با توجه به رتبه و نمره نامناسب ایران در شاخص‌هایی

نظیر ادراک فساد، حکمرانی جهانی، انجام کسب و کار و نیز رکن نهادها در شاخص رقابت پذیری که نشان دهنده وضعیت نامساعد نهادی در کشور است، این وضعیت چندان دور از انتظار نیست. علاوه بر نواقص نهادی، معضلات نهادینه شده در اقتصاد کشور، از جمله ناکارآمدی نظام مالیاتی، عدم چاره اندیشی مناسب برای فرار بالای مالیاتی در بخش های متعدد اقتصادی در مقابل میزان بالای مالیات دریافتی بنگاه ها، نرخ بالای بیکاری به ویژه در میان زنان و جوانان، اعمال تحریم های اقتصادی و در نتیجه افزایش کسری بودجه، عدم شفافیت در عملیات تجاری و مبادلات ارزی و مشکلاتی از این دست نیز بدون شک در افزایش فعالیت عوامل اقتصادی در بخش زیرزمینی مؤثر است.

در بخش هشتم، بر اساس جمع بندی صورت گرفته می توان گفت آن چه در باب اقتصاد زیرزمینی در ایران و جهان مشهود است، عدم تکیه مطالعات موجود به یک چارچوب نظری معین و تمرکز بیشتر مطالعات بر برآورد حجم این بخش است. بر این اساس، در این مطالعه بیشتر بر جنبه نهادی این موضوع تاکید و تصریح شده که شناسایی زنجیره نهادهای معیوب و تلاش در جهت اصلاح آن، می تواند سبب کاهش تدریجی اقتصاد زیرزمینی در خلال توسعه اقتصادی باشد. اگر چه این مسئله برای کشوری مانند ایران به دلیل وابستگی بالا به نفت، عدم کارآمدی سیستم مالیاتی و در معرض تحریم بودن، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است؛ اما بدون شک اصلاح نهادها و تلاش در جهت رفع معضلاتی مانند بیکاری و ناکارآمدی سیستم مالیاتی در جهت فعالیت های مولد، می تواند عامل مؤثری در کاهش فعالیت های غیرشفاف و غیررسمی باشد. این مسئله نیز نیازمند همکاری قوای سه گانه و مشارکت آحاد مردم است و از عهده یک نهاد یا سازمان خاص خارج است.

گریز بخشی از فعالیت‌های اقتصادی از دسترس آمار و ارقام رسمی به دلایل مختلفی همچون فرار از بار مالیات، غیرقانونی بودن، هزینه‌بر بودن رسمی‌سازی و غیره و اصطلاحاً وجود بخش زیرزمینی و یا غیررسمی، حقیقت انکار ناپذیری است که همه اقتصادهای جهان کم و بیش با آن مواجه هستند. این پدیده سبب ایجاد تعارضاتی بین نتایج ناشی از سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر تئوری و واقعیات مشاهده شده در اقتصاد می‌شود. به عنوان مثال اگر حجم فعالیت‌های زیرزمینی در اقتصادی بالا بوده اما اطلاعی از آن در دست نباشد، تجویز یک سیاست پولی یا مالی با هدف مشخص، ممکن است نتیجه مورد انتظار را نداشته باشد. به عبارت دیگر شناسایی افرادی که در اقتصاد زیرزمینی مشغول به کار هستند، دامنه این فعالیت‌ها و حجم درآمد ایجاد شده در این بخش، می‌تواند کمک شایانی به افزایش دقت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های صحیح و مؤثر نماید. علاوه بر این، شناسایی عوامل ایجاد کننده این نوع از فعالیت‌های اقتصادی، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه که میزان تولید ناخالص داخلی رسمی آنها نسبت به کشورهای پیشرفته کمتر است، امری بسیار حیاتی است.

مطالعه ادبیات گسترده و گاه متناقض جهانی در باب اقتصاد زیرزمینی، نشان می‌دهد که نقصان‌های نهادی، یکی از عوامل اصلی انتقال فعالیت‌ها از بخش رسمی به بخش غیر رسمی است. لازم به ذکر است که در هر کشور، بسته به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور، ممکن است ضعف‌های نهادی به طور عام و نهادهای تاثیرگذار در شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی به طور خاص، با سایر کشورها متفاوت باشد. در ایران، علاوه بر ضعف‌های مشهود نهادی، وجود یک سیستم مالیاتی ناکارآمد که قادر به تامین اهداف مالی و مالیاتی دولت نیست، از یک سو سبب کاهش کیفیت خدمات و کالاهای دولتی و از سوی دیگر سبب افزایش فرار مالیاتی شده است که در نتیجه انگیزه افراد و بنگاه‌ها را برای فعالیت در بخش زیرزمینی افزایش می‌دهد. از آن‌جا که درآمدهای حاصل از صادرات نفت خارج از کنترل دولت است و خط مشی توسعه در کشور نیز در سال‌های اخیر به دلیل گسترش تحریم‌های اقتصادی، افت شدید قیمت نفت و کسری بودجه ناشی از آن در پی تمرکززدایی از نظام وابسته به درآمدهای نفتی و گرایش به سمت نظام مبتنی بر درآمدهای مالیاتی است [۴]، اهمیت مطالعه و علت‌یابی اقتصاد زیرزمینی و تلاش در جهت کاهش آن، اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند.

مطالعه حاضر با بررسی ادبیات موجود در باب اقتصاد زیرزمینی، تلاش دارد تا حد امکان دلایل ایجاد این پدیده را با توجه به بسترهای نهادی ایران، روشن ساخته و توصیه‌هایی را در جهت کوچک‌سازی بخش غیررسمی ارائه دهد. در ادامه پس از بررسی تعاریف موجود از اقتصاد زیرزمینی، دیدگاه‌های مختلف در مورد

عوامل ایجاد کننده و مؤثر در گسترش این پدیده ذکر و سپس وضعیت ایران طبق آخرین تحقیقات و محاسبات صورت گرفته آورده شده است. پس از آن نیز به بررسی اقتصاد زیرزمینی در ایران پرداخته و علل اصلی ایجاد آن با توجه به ویژگی‌های خاص اقتصاد کشور تحلیل شده است. نهایتاً در بخش پایانی، جمع‌بندی موضوعات به همراه برخی توصیه‌های سیاستی ارائه شده است.

۲- تعریف اقتصاد زیرزمینی

منظور از اقتصاد زیرزمینی در مفهوم وسیع، تمامی فعالیت‌هایی است که به عللی در حساب‌های ملی نمی‌آیند. بنابراین ارائه تعریفی جامع و مانع برای اقتصاد زیرزمینی دشوار است. به کارگیری واژه‌های بسیار متنوع مانند اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد سایه، اقتصاد موازی، اقتصاد غیررسمی و اقتصاد ثبت نشده با تعاریف یکسان یا دارای هم‌پوشانی زیاد، از جمله نشانه‌های این نابسامانی است [۱].

بر اساس یک تعریف عمومی اقتصاد زیرزمینی شامل کلیه فعالیت‌های اقتصادی ثبت نشده‌ای است که در صورت ثبت این فعالیت‌ها، می‌توانست در محاسبات رسمی تولید ناخالص ملی لحاظ شود [۴۳].

فیگ^۱ (۱۹۹۰) از جمله افرادی است که در خصوص پدیده اقتصاد زیرزمینی با توجه به نظریه نهادگرایی جدید طبقه‌بندی دیگری از فعالیت‌های غیررسمی ارائه می‌کند. او وجه تمایز میان فعالیت‌های اقتصادی رسمی و فعالیت‌های غیررسمی را نهادهای مشخصی می‌داند که صاحبان کسب و کار از آنها پیروی نمی‌کنند. به عبارت روشن‌تر، این نهادها، فعالان بخش رسمی اقتصاد را مجبور به پرداخت هزینه بیشتری برای معاملات خود در مقایسه با فعالان عرصه اقتصاد غیررسمی می‌کنند. بنابراین بنگاه‌های اقتصادی در صورتی که در چارچوب قواعد نهادی رایج فعالیت کنند و رفتار آنها با این قواعد مطابقت داشته باشد، رسمی محسوب می‌شوند؛ در غیر این صورت به عنوان بخشی از اقتصاد زیرزمینی خواهند بود [۲۵]. از دیدگاه فیگ مجموعه فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی در ۴ گروه دیده شده‌اند که عبارتند از: اقتصاد غیرقانونی^۲ که شامل مجموع درآمدهایی است که از فعالیت‌های اقتصادی‌ای که قوانین مرتبط با برخی اشکال قانون تجارت را نقض می‌کنند، تولید می‌شود. مانند تجارت مواد مخدر و پولشویی. دوم؛ اقتصاد گزارش نشده^۳ که شامل آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که به طور قانونی باید به مقامات مالیاتی گزارش شود و نشده است مانند فرار مالیاتی. سوم اقتصاد ثبت نشده^۴ که در برگیرنده بخشی از فعالیت‌های اقتصادی است که ضوابط و مقررات مرتبط با ارائه گزارش به مراکز آمار دولتی را رعایت نمی‌کنند. شاخص اقتصاد ثبت نشده مقدار درآمد ثبت نشده است؛ یعنی درآمدهایی که می‌بایست در نظام‌های حسابداری ملی

^۱ Feige

^۲ Illegal Economy

^۳ Unreported Economy

^۴ Unrecorded Economy

ثبت شوند ولی به ثبت نمی‌رسند، مانند فعالیت‌های تولیدی خانوار و چهارم؛ اقتصاد غیررسمی^۱ که شامل آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که از صرف برخی هزینه‌ها طفره می‌روند و از منافع و حقوق مندرج در قوانین و قواعد اداری پوشش دهنده روابط مالکیت، صدور پروانه بازرگانی، قراردادهای کارگری، نظام‌های اعتبار مالی و تأمین اجتماعی محروم می‌شوند. شاخص اقتصاد غیررسمی درآمد تولید شده توسط فعالان اقتصادی است که به طور غیر رسمی عمل می‌کنند [۱۶].

از نظر اسمیت^۲ (۱۹۹۴) تعیین یک تعریف دقیق برای اقتصاد زیرزمینی اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت است. او اقتصاد زیرزمینی را تولید قانونی و غیرقانونی کالاها و خدمات بازار محور تعریف می‌کند که از محاسبات رسمی تولید ناخالص داخلی پنهان می‌شوند. در معنایی دقیق‌تر، اقتصاد زیرزمینی شامل درآمدهای گزارش نشده از تولید کالاها و خدمات قانونی است که از مبادلات پولی یا کالایی به دست می‌آید [۴۰].

توماس^۳ (۱۹۹۶) تعریفی نزدیک به فیگ ارائه کرده و فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی را به چهار مولفه قابل مقایسه تقسیم‌بندی می‌کند: غیرقانونی (جزایی یا جنایی)، نامنظم (غیرعادی)، خانوار و غیر رسمی. بخش غیرقانونی همان تولید کالاها و خدمات غیرقانونی مانند تولید و تجارت مواد مخدر و قاچاق است. بخش نامنظم، تولید قانونی کالاها و خدماتی است که از برخی الزامات قانونی مانند مالیات تخطی می‌کنند. منظور از بخش خانوار نیز تولیدات خانگی است. بخش غیررسمی هم در برگیرنده فعالیت‌های اقتصادی است که منع قانونی ندارد و مجاز است. علت کنار گذاشتن بخش غیررسمی از حسابداری ملی، دشوار و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش است و معمولاً شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آنها و همچنین کسبه و پیشه‌وران کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیر رسمی است [۲۵].

تانزی^۴ (۱۹۹۹) معتقد است که کلیه فعالیت‌های اقتصادی تحت نظارت کامل دولت اتفاق نمی‌افتد و بدین ترتیب ممکن است دولت نتواند آنها را در حساب‌های ملی محاسبه و از آنها مالیات دریافت کند و یا آنها را تنظیم نماید. بر این اساس تانزی دو تعریف از اقتصاد زیرزمینی ارائه می‌نماید: اول این‌که تولید یا درآمدی که در آمارهای رسمی وجود ندارد و دوم درآمدی که به مقامات دولتی گزارش نشده و توسط آنان کشف نمی‌شود [۴۵].

فردریش اشنايدر و دومینیک اینست^۵ (۲۰۰۰) اقتصاد زیرزمینی را فعالیت‌های قانونی دارای ارزش افزوده می‌دانند که از پرداخت مالیات یا ثبت رسمی سر باز زده و بر همین اساس در زمره فعالیت‌های سیاه یا

¹ Informal Economy

² Smith

³ Thomas

⁴ Tanzi

⁵ Friedrich Schneider and Dominik H.Enste

پنهان طبقه‌بندی می‌شوند. علاوه بر آن این دو بر این نکته تاکید دارند که بیشتر تعاریف پیرامون اقتصاد زیرزمینی بر فرار مالیاتی تمرکز دارند، در حالی که مسائل زیادی وجود دارند که حول این موضوع باید بررسی شود [۴۰].

بانک جهانی نیز در یک مطالعه که بر روی ۱۶۲ کشور جهان توسط اشنایدر، بوئن و مونت‌نگرو^۱ انجام شده، اقتصاد سایه را شامل تمامی فعالیت‌های تولیدی (کالا و خدمات) تعریف کرده که ممکن است هم از جنبه اقتصادی مولد بوده و هم کاملاً قانونی باشند، اما به دلایل زیر عمداً از مقامات عمومی (دولتی) پنهان می‌شود:

- فرار یا اجتناب از پرداخت مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده و یا سایر مالیات‌ها؛
- اجتناب از پرداخت سهم تأمین اجتماعی؛
- اجتناب از مواجهه با استانداردهای خاص بازار قانونی کار نظیر استانداردهای حداقل دستمزد، حداکثر ساعات کار، استانداردهای ایمنی و غیره؛
- اجتناب از پذیرش فرآیندهای اداری خاص نظیر تکمیل پرسشنامه‌های آماری یا سایر فرم‌های اداری [۳۵].

خلعتبری (۱۳۶۹) نیز مجموعه فعالیت‌های اقتصادی را به دو گروه زیرزمینی و رسمی طبقه‌بندی کرده و اقتصاد زیرزمینی را مجموعه‌ای از فعالیت‌های مولد ارزش افزوده تعریف کرده است که در قالب اقتصاد رسمی تعریف و گنجانده نشده و به عبارتی از محاسبات دور می‌مانند [۲].

عرب‌مازار یزدی (۱۳۹۵) نکته‌ای جالب توجه را در این زمینه مطرح کرده و با تکیه بر تعاریف نظام حساب‌های ملی نشان داده است که این تلقی مرسوم که فعالیت‌های مربوط به بخش‌های غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی در حساب‌های ملی ثبت نمی‌شوند، تلقی دقیقی نیست و بسته به ساختار اقتصاد کشورها و روش‌های گردآوری، برآورد و تنظیم آمار حساب‌های ملی در مراکز آماری آنها، سهمی از اقتصاد غیررسمی در محاسبه‌ی تولید ملی به حساب می‌آید و تنها فعالیت‌های اقتصادی بخش خانوار است که به دلیل غیربازاری بودن مبادلات، به کلی ثبت نمی‌شوند [۱۵].

چارچوب نظام حساب‌های ملی بر سه مفهوم بخش غیررسمی، تولید غیرقانونی و تولید پنهان یا اقتصاد زیرزمینی استوار است [۱۵].

منظور از بخش غیررسمی ترکیبی از واحدهای شاغل در تولید کالا یا خدمات با هدف اولیه‌ی ایجاد اشتغال و درآمد برای اشخاص مرتبط با آن، مشخص شده باشد. این واحدها معمولاً سازماندهی کم، تقسیم کار محدود

^۱ Schneider, Buehn and Montenegro

و در مقیاس کوچک، هستند. روابط کار، نیز غالباً مبتنی بر اشتغال موقتی، خویشاوندی یا شخصی و روابط اجتماعی است. اساساً مفهوم فعالیت‌های بخش غیررسمی باید از مفهوم فعالیت‌های اقتصاد پنهان یا زیرزمینی متمایز شود [۱۵].

تولید غیرقانونی نیز در ذیل دو دسته‌بندی در نظام حساب‌های ملی، وجود دارد:

- تولید کالا و خدماتی که فروش، توزیع یا تصرف آنها قانوناً منع شده است.
- فعالیت‌های تولیدی که معمولاً قانونی هستند، اما وقتی که توسط تولیدکنندگان غیرمجاز انجام شوند (نظیر شاغلین به حرفه پزشکی بدون اخذ گواهینامه‌ی لازم)، غیرقانونی می‌شوند. مثال از فعالیت‌هایی که ممکن است غیرقانونی اما از منظر اقتصادی مولد باشند، شامل تولید و توزیع مواد مخدر، حمل و نقل غیرقانونی به شکل قاچاق است [۱۵].

تولید پنهان نیز با توجه به تعریف آن در نظام حساب‌های ملی متناظر با بخش نامنظم در طبقه‌بندی توماس است. تولید پنهان فعالیت‌های معینی هستند که ممکن است هم از منظر اقتصادی مولد باشند و هم کاملاً قانونی باشند (در صورتیکه استانداردها و مقررات معینی را رعایت کرده باشند) اما به دلایلی که قبلاً ذکر شده تماماً از مقامات عمومی پنهان نگه داشته می‌شوند [۱۵].

با توجه به کلیه تعاریف فوق، مهم‌ترین شاخص‌های فعالیت اقتصاد زیرزمینی را می‌توان به شرح زیر بیان نمود: قرار نگرفتن در محدوده اقتصاد رسمی، فعالیت‌های خارج از مقررات، فعالیت‌های خارج از بازار، فعالیت‌هایی که از چشم مقامات رسمی پنهان مانده، فعالیت‌های ثبت نشده، فعالیت‌هایی که از ارزیابی مالیاتی دور مانده، فعالیت‌های گزارش نشده، فعالیت‌هایی که از محاسبات دور مانده و فعالیت‌های پنهان، خواه مولد باشند یا غیر مولد، بازاری باشد یا غیربازاری [۱۶].

۳- دو دیدگاه در خصوص شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی: نتایج کلیدی حاصل از مرور ادبیات

در مورد عوامل ایجاد کننده اقتصاد زیرزمینی، با اندکی اغماض می‌توان به دو دیدگاه اشاره کرد. دیدگاه نخست، معتقد به نقش عواملی از قبیل بار مالیاتی و تامین اجتماعی به عنوان عوامل اصلی ایجاد و گسترش اقتصاد زیرزمینی است. دیدگاه دوم اما بر نقش عوامل نهادی^۱ تاکید داشته و اقتصاد زیرزمینی را در بستر نقصان‌های نهادی بررسی می‌کند [۲۱].

^۱ نهادها در واقع قوانین بازی در جامعه و قیود وضع شده از جانب بشر هستند که روابط و تعاملات متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل داده و در نتیجه انگیزه‌های نهفته در مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشری را ساختارمند می‌کنند. در یک نگاه کلی، نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی هستند که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه‌ای را شکل می‌دهند. همچنین چارچوب نهادی (Institutional Framework) نیز تعیین کننده نحوه استقرار نهادها را بدون داوری در مورد کارآمدی یا ناکارآمدی آن‌ها مشخص می‌کند [۲۰].

۳-۱- دیدگاه اول: بار مالیاتی

این دیدگاه بار مالیاتی و تامین اجتماعی را به عنوان عوامل اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی تلقی کرده و معتقد است که عوامل اقتصادی، به منظور فرار از بار مالیاتی و پرداخت‌های مربوط به تامین اجتماعی (به عنوان نوعی مالیات مستقیم)، از اقتصاد رسمی خارج می‌شوند. در ادبیات اقتصاد، در مورد نقش بار مالیاتی در افزایش فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی بحث‌های زیادی وجود دارد. برخی مطالعات تصریح می‌کنند که هر چه بار مالیاتی بیشتر باشد (نرخ‌های مالیاتی بالاتر و سیستم مالیاتی پیچیده‌تر باشد)، سهم اقتصاد زیرزمینی افزایش می‌یابد، چرا که بنگاه‌ها به منظور فرار از پرداخت مالیات و افزایش سودآوری، ترجیح می‌دهند که در بخش غیررسمی فعالیت کنند [۴۴]. از سوی دیگر، نرخ مالیات بر انتخاب نیروی کار بین فراغت و کار کردن، تأثیرگذار بوده و در نتیجه عرضه نیروی کار را در اقتصاد زیرزمینی یا بخشی از اقتصاد که بر آن مالیات وضع نمی‌شود، تحت تاثیر قرار می‌دهد. زیرا هر چه اختلاف بین هزینه‌ای که بنگاه برای در اختیار داشتن نیروی کار در بخش رسمی متحمل می‌شود و دستمزد دریافتی نیروی کار بیشتر باشد، مالیات بیشتری گرفته شود و یا بنگاه سهم بیشتری برای تامین اجتماعی پرداخت کند، هم بنگاه‌ها و هم نیروی کار انگیزه بالاتری برای فعالیت در بخش زیرزمینی دارند. مادامی که بخش زیادی از اختلاف بین هزینه و دستمزد نیروی کار به دلیل وجود بار مالیاتی و تامین اجتماعی باشد، بار مالیاتی از عوامل کلیدی وجود و افزایش اقتصاد زیرزمینی محسوب می‌شود [۴۰].

واکنش مورد انتظار در برابر افزایش بار مالیات بر واردات نیز، تلاش برای کم‌نمایی ارزش کالاهای وارداتی و اقدام به واردات کالا از مبادی غیرقانونی است که هر دو به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی منجر می‌شود [۱۴].

اما دیدگاه مذکور مخالفانی نیز دارد. فریدمن و همکارانش (۲۰۰۰) دریافتند که نرخ‌های مالیاتی بالاتر با حجم کمتر اقتصاد زیرزمینی مرتبط است. استدلال این گروه از اقتصاددانان این است که نرخ‌های مالیاتی بالاتر سبب افزایش درآمد دولت و ارائه بهتر کالاها و خدمات عمومی می‌شود. در نتیجه محیط قانونی و نهادی بهبود یافته که خود سبب تشویق بنگاه‌ها به فعالیت در بخش رسمی اقتصاد می‌شود [۴۴].

آنچه از بررسی مجموع مطالعاتی که در این مورد انجام شده، برداشت می‌شود این است که علی‌رغم تائید بسیاری از مطالعات تجربی در مورد رابطه مثبت بار مالیاتی و اقتصاد زیرزمینی، در صورت در نظر گرفتن متغیرهای نهادی، رابطه فوق تنها تحت شرایط خاصی تایید می‌شود و یا ممکن است اصلاً تایید نشود. اگر نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را به عنوان بار مالیاتی در نظر بگیریم، در صورتی که افزایش این نسبت به دلیل افزایش کارایی و بازدهی سیستم مالیاتی باشد، حجم اقتصاد زیرزمینی می‌تواند

کاهش یابد. همچنین در حالتی که افزایش تولید ناخالص داخلی سبب کاهش بار مالیاتی شود، باز هم حجم اقتصاد زیرزمینی کاهش می‌یابد. در غیر این صورت، افزایش بار مالیاتی احتمالاً سبب افزایش اقتصاد زیرزمینی می‌شود [۱۸].

در مجموع می‌توان گفت حتی اصلاحات عمده مالیاتی همراه با کاهش نرخ مالیات‌ها، الزاماً منجر به کاهش اساسی در اقتصاد زیرزمینی نخواهد شد، بلکه افزایش و کاهش نرخ مالیات بدون مطالعه کافی، خود سبب ایجاد عواقب ناگوار در بخش زیرزمینی خواهد شد [۱۱].

۳-۲- دیدگاه دوم: عوامل نهادی

دومین دیدگاه، کیفیت نهادها را عامل اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی تلقی می‌کند. بر اساس این دیدگاه، نمی‌توان اقتصاد زیرزمینی را تنها یک موضوع اقتصادی صرف دانست. مطالعات متعددی وجود دارند که بر نقش کیفیت نهادی بر اقتصاد زیرزمینی تأکید کرده و ادعان می‌دارند که مهم‌تر از نقش بار مالیاتی و تأمین اجتماعی در ایجاد اقتصاد زیرزمینی، چگونگی به‌کارگیری کارآمد سیستم مالیاتی، قوانین و سیاست‌گذاری توسط دولت و در مجموع بستر حقوقی و چارچوب نهادی است که در تصمیم‌گیری افراد برای فعالیت در اقتصاد زیرزمینی نقش کلیدی دارد. به عبارت بهتر، بررسی اثرات کیفیت نهادی بر گسترش اقتصاد زیرزمینی از اهمیت زیادی برخوردار است [۳۳].

اقتصاددانان نهادگرا معتقدند که تفاوت‌های نهادی بین کشورها، توضیح دهنده دلیل تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها در بلندمدت است [۱۵]. چارچوب نهادی و یا قوانین بازی ممکن است در شرایطی سبب شوند که کارآفرینان از مشارکت رسمی در اقتصاد سر باز زنند. در واقع قوانین بازی گاهی موجب ایجاد موانعی بر سر راه فعالیت رسمی آنها می‌شود [۲۷].

هزینه‌های نامتعارف انجام کسب‌وکار یکی از مصادیق مهم نق‌صان‌های نهادی است که مشارکت‌های رسمی اقتصادی و سیاسی را محدود می‌کند. این هزینه‌ها شامل موارد متعددی از جمله هزینه کسب اطلاعات درباره ویژگی‌های مهم کالاها و خدمات مورد مبادله، هزینه به دست آوردن اطلاعات در مورد شرکای تجاری، هزینه تهیه منابع مالی و سرمایه، هزینه تضمین و اجرای حقوق مالکیت، هزینه انعقاد، اجرا و نظارت بر قراردادها است که عموماً از آنها به هزینه مبادله^۱ تعبیر می‌شود [۱۹]. غیر متعارف بودن هزینه‌های مبادله نقش مهمی در حرکت فعالان اقتصادی به سمت فعالیت‌های غیرشفاف و زیرزمینی دارند [۲۷]. نهادها عوامل کلیدی در تعیین هزینه مبادله در کشورها به شمار می‌روند. این نهادها، همان قوانین و مقرراتی هستند که فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نهادهایی که به خوبی طراحی شده باشند، یک چارچوب قابل پیش‌بینی را فراروی کارآفرینان قرار داده و اطلاعات مورد نیاز برای انجام کسب و کار را در

^۱ Transaction Cost

اختیار آنان قرار می‌دهد. کارآفرینان نیز هزینه این خدمات را درک می‌کنند [۱۵]. در مقابل، نهادهای ناکارا، کارآفرینان را درگیر بار مقرراتی، قوانین دست و پا گیر و عوامل دولتی فاسد کرده و سودآوری را متاثر می‌سازند، در نتیجه هزینه مبادله افزایش می‌یابد. چنین شرایطی، انتقال فعالیت‌ها به اقتصاد زیرزمینی را ناگزیر ساخته و مشارکت‌های رسمی سیاسی و اقتصادی را کاهش می‌دهد [۲۷]. چنانچه نهادها به صورت کارآمد عمل کنند، از طریق ارائه نوآوری‌هایی در راستای کاهش ناطمینانی‌ها، تضمین اجرای قراردادهای تضمین حقوق مالکیت، کاهش هزینه کسب اطلاعات و غیره، سبب کاهش هزینه‌های مبادله می‌شوند [۱۹]. نورث معتقد است که هزینه‌های سرانه مبادله در کشورهای جهان سومی بیشتر از کشورهای پیشرفته بوده و چارچوب نهادی در این کشورها فاقد ساختار رسمی است. در نتیجه بازار در کشورهای جهان سومی، به دلیل عدم وجود زیربنای مناسب، کارآمد نیست [۱۵].

به طور کلی، نقصان‌های نهادی نظیر ناامنی حقوق مالکیت، فساد، قوانین و مقررات پیچیده، غیرشفاف و ناکارآمد، عدم حاکمیت قانون و مواردی از این دست، این علامت را به فعالان اقتصادی می‌دهند که فعالیت‌های شفاف در این چارچوب نهادی، پر هزینه خواهد بود [۱۹]. در چنین چارچوب نهادی، افراد فعال در اقتصاد رسمی ممکن است به وسیله برخی از نهادهای ناکارآمد ملزم به رعایت برخی قوانینی شوند که سبب می‌شود در مقایسه با فعالان اقتصاد زیرزمینی، متحمل هزینه‌های مبادله بیشتری شوند. از اینرو این پیام به فعالان اقتصادی داده می‌شود که فعالیت‌های خود را در بخش اقتصاد زیرزمینی پیگیری نمایند.

آگاهی از این مسئله که کدام نهادها بیشتر منجر به حرکت فعالیت‌ها به سمت اقتصاد غیررسمی می‌شوند و کدام نهادها در صورت بهبود می‌توانند دستاوردهای بهتری داشته باشند، موضوع جالب توجهی است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۴- نهادهای مؤثر بر افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی

اما سوال اصلی این است که ضعف کدام نهادها و تا چه اندازه سبب ایجاد فعالیت‌های زیرزمینی می‌شود؟ از نظر تئوری، اقتصاد زیرزمینی و نهادهای ضعیف به طور دوجانبه یکدیگر را تقویت می‌کنند و نمی‌توان نهادها را برونزا فرض نمود. بررسی انجام شده توسط صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که اندازه اقتصاد زیرزمینی به طور عمده تحت تاثیر کیفیت محیط نهادی قرار دارد. بهبود حاکمیت قانون، کاهش فساد و به طور کلی بهبود کیفیت نهادی، حجم اقتصاد زیرزمینی را کاهش می‌دهد. لذا می‌توان گفت نرخ‌های مالیاتی به تنهایی منجر به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی نمی‌شود و کسب و کارها نه به دلیل نرخ‌های بالای مالیاتی، بلکه در نتیجه نقص‌های نهادی به سمت بخش غیر رسمی می‌روند [۴۴].

۴-۱- اثر فساد بر اقتصاد زیرزمینی

متفکران زیادی فساد را از جمله اصلی ترین دلایل وجود و گسترش اقتصاد زیرزمینی می دانند. از نظر این افراد، در یک دولت ناکارآمد که درگیر فساد گسترده است، اعتماد شهروندان به حاکمیت به شدت کاهش می یابد و بنابراین اشتیاق افراد برای همکاری در فعالیت های رسمی کم می شود. بوئن و اشنايدر^۱ (۲۰۰۹) معتقدند که افزایش شفافیت و پاسخ گویی دولت، فضا را برای فساد و ارتشاء محدود می کند. البته برخی از مطالعات تصریح می کنند که اگر توزیع منابع منصفانه انجام نشود و یا دولت در مقابل نیازهای شهروندان پاسخگو نباشد، کارآفرینان از مشارکت در بخش رسمی سود کمتری کسب می کنند. لذا ممکن است فعالیت خود را به بخش زیرزمینی منتقل کرده و زمینه را برای دریافت رشوه توسط مقامات فاسد محدود کنند. به همین دلیل ممکن است در موارد محدودی، اقتصاد زیرزمینی سبب کاهش رشوه خواری شود [۴۶].

جانسون و همکاران^۲ (۱۹۹۸) در بررسی ۴۹ کشور آمریکای لاتین، کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی (OECD^۳) و برخی از کشورهای کمونیستی، رابطه ای محکم و معنادار بین ارتشاء یا همان فساد با اقتصاد زیرزمینی یافته و نشان دادند که بهبود یک امتیازی در شاخص فساد سازمان شفافیت بین المللی^۴ سبب کاهش ۵٫۱ درصدی در اقتصاد زیرزمینی می شود. در نتیجه رابطه میان اقتصاد غیررسمی و حاکمیت قانون (که عدم برقراری آن سبب بروز فساد می شود) بسیار قوی بوده و کشورهایی با فساد بیشتر معمولاً سهم اقتصاد زیرزمینی بیشتری هم دارند. رز آکرمن^۵ (۱۹۹۷) معتقد است که کاهش فساد سبب تشویق بنگاه ها برای حرکت از اقتصاد زیرزمینی به اقتصاد رسمی می شود [۴۰].

فریدمن و همکاران^۶ (۲۰۰۰) نیز نشان دادند که بین فساد و اقتصاد زیرزمینی یک رابطه مثبت برقرار بوده و کارآفرینان در مواجهه با نهادهای اقتصادی ضعیف که سبب بروز فساد می شوند، فعالیت خود را به بخش غیررسمی منتقل می کنند [۲۱]. همچنین مطالعات بوئن و اشنايدر (۲۰۱۲) نشان می دهد که فساد در سیستم اقتصادی مانند یک مالیات مازاد عمل کرده و افراد را به فعالیت های زیرزمینی ترغیب می کند. نتایج این مطالعه تصریح می کند که هرچه کیفیت سیستم سیاسی و سیاست گذاری پایین تر باشد (کیفیت نهادی پایین، قوانین غیر شفاف، عدم پاسخ گویی دولت، قوانین انتخاباتی نامناسب و درجات پایین تمرکززدایی)، احترام به حاکمیت قانون کمتر، سطح فساد بالاتر و در نتیجه اقتصاد زیرزمینی گسترده تر است. بنابراین در کشورهای در حال توسعه به طور خاص، اقدامات به کار گرفته شده در جهت افزایش رسمی سازی، در صورت غفلت از در نظر گرفتن رابطه میان اقتصاد زیرزمینی و فساد، غیر مؤثر خواهد بود [۳۴].

¹ Buehn and Schneider

² Johnson et al.

³ Organization for Economic Co-operation and Development

⁴ The transparency International Corruption Index

⁵ Rose-Ackerman

⁶ Freidman et al.

۴-۲- اثر حقوق مالکیت بر اقتصاد زیرزمینی

ایجاد حقوق مالکیت امن و کارا یکی از مهم‌ترین ابزارها برای کاهش هزینه مبادله (به عنوان یکی از عوامل اصلی حرکت فعالان اقتصادی به سمت فعالیت‌های غیرشفاف) است. زمانی که فعالان اقتصادی از امنیت حقوق مالکیت خود اطمینان نداشته باشند و تعرض به حقوق مالکیت فکری و معنوی از تهدیدات جدی برای سرمایه‌گذاران باشد، انگیزه‌ای برای فعالیت‌های شفاف و رسمی ایجاد نمی‌شود [۱۵]. دسوتو^۱ (۲۰۰۰) نیز، مشکل توسعه نیافتگی را با همین ضعف کلیدی در نهادها مرتبط و به این مسئله تاکید می‌کند که بیشتر سرمایه‌های مولد بالقوه در کشورهای فقیر، خارج از سیستم رسمی حقوق مالکیت قرار دارد. بر خلاف کشورهایی که سیستم‌های حقوق مالکیت در آنها پیشرفته و کامل بوده و سرمایه در فعالیت‌های بهره‌ور و تولیدی به کار گرفته می‌شود، در کشورهای فقیر، به سختی می‌توان حقوق مالکیت شفاف را برقرار نمود و از مزایای آن بهره‌مند شد. ظرفیت تولیدی اقتصاد به دلیل وجود همین نواقص بنیادین در نهادها، محدود شده و در نتیجه مانعی بر سر راه مشارکت گسترده‌تر در بخش رسمی اقتصاد ایجاد می‌شود. از نظر دسوتو، ایجاد نهادهای برقرار کننده و محافظت کننده از حقوق مالکیت، کلید بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه رشد در بخش غیررسمی اقتصاد است. این نهادها در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار هستند؛ چرا که بخش غیررسمی در این کشورها حجم بیشتری دارد و لذا پتانسیل رشد بالقوه در آنها بیشتر است [۴۴].

۴-۳- اثر بار مقرراتی بر اقتصاد زیرزمینی

تعدد قوانین و مقررات، ریسک محدود کردن آزادی افراد و دامنه فعالیت بنگاه را به همراه داشته و بر عملکرد بازار اثر منفی دارد. قوانین، به صورت عمد و یا غیرعمد، دشواری‌هایی را برای توزیع مجدد منابع، انباشت سرمایه، رقابت و نوآوری در اقتصاد رسمی ایجاد می‌کنند. در صورت عدم نظارت و الزام صحیح افراد به رعایت قوانین، افراد و بنگاه‌ها کار کردن در فضایی خارج از سیستم قانونی دست و پاگیر را بهینه تلقی کرده و به سمت اقتصاد زیرزمینی گرایش می‌یابند. اگرچه یک سطح مشخص از قوانین برای کاهش ناطمینانی و تضمین حقوق مالکیت لازم است، اما قوانین بیش از حد، هزینه‌ها و موانع سرمایه‌گذاری، استخدام و یا عملکرد در اقتصاد رسمی را افزایش می‌دهد. سطح بهینه مداخله حکومت به واسطه قانون‌گذاری را نمی‌توان به لحاظ نظری مشخص نمود. این سطح بستگی زیادی به فرهنگ، سنت‌ها و سطح توسعه‌یافتگی کشورها دارد. اما تحلیل‌های تجربی تا اندازه‌ای می‌تواند نشان دهد که چه میزان از قوانین برای رشد اقتصاد و کوچک‌تر شدن اقتصاد سایه بهتر است [۲۴].

^۱ De Soto

فریدمن و همکارانش^۱ (۲۰۰۰) ضمن مطالعه‌ای که بر روی ۷۶ کشور در حال توسعه انجام دادند دریافتند که میزان قوانین و مقررات ارتباط معناداری با میزان اقتصاد زیرزمینی دارد، اگرچه جهت این ارتباط مشخص نیست. در مطالعه ایشان، شدت قوانین تنها با متغیر تعداد قوانین و مقررات در حوزه‌هایی مانند الزامات مجوزی، قوانین بازار کار، موانع تجاری و قوانین محدود کننده کار برای مهاجرین مشخص می‌شود. لویزا و همکارانش^۲ نیز در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۶ انجام دادند، مشخص کردند که کشورهایی که ساختار نهادی با کیفیت‌تری دارند، سعی در ایجاد یک محیط قانونی هوشمندانه‌تر دارند که بتواند شرایط کسب و کارها را بهبود بخشد، نه این که تنها به چند گروه محدود منفعت برساند. این کشورها مقررات را به صورت شفاف‌تر و منصفانه‌تری تنظیم کرده که سبب محدود شدن قدرت قانون‌گذار و در نتیجه کاهش احتمال بروز فساد می‌شود [۲۴].

کافمن و همکاران^۳ (۱۹۹۸) نشان دادند که اقتصادهای زیرزمینی کوچک‌تر در کشورهایی دیده می‌شود که بار مقرراتی کمتری دارند. اما آنچه سبب وارد آمدن فشار بر افراد و بنگاه‌ها می‌شود، شیوه اجرای این مقررات است، نه میزان کلی آن. اگر حاکمیت قانون توسط همه افراد محترم شمرده شود، اقتصاد زیرزمینی کوچک‌تر می‌شود. در کشورهای در حال گذار، بار مقرراتی سبب شیوع فساد و افزایش نرخ مالیات مؤثر بر فعالیت‌های رسمی می‌شود. لذا اقتصاد زیرزمینی در این کشورها گستردگی بیشتری دارد [۳۵]. در مجموع می‌توان گفت شفافیت و بهبود شیوه اجرای قوانین به جای تعدد بخشیدن به قوانین و مقررات، راهکار مناسبی برای افزایش انگیزه افراد و بنگاه‌ها در رسمی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی است.

۴-۴- اثر کیفیت خدمات بخش عمومی بر اقتصاد زیرزمینی

اشنایدر و اینست (۲۰۰۰) معتقدند دولت‌ها نقش پررنگی را در جامعه بازی می‌کنند که شامل تنظیم مقررات و قوانین، دفاع در مقابل نیروهای خارجی، تأمین خدمات عمومی، زیرساخت‌ها، امنیت و عدالت و متعهد شدن به اعمال سیاست‌هایی برای آرامش داخلی است. بنابراین ممکن است رفاه عمومی در نتیجه صلاحیدهای دولتی افزایش و یا کاهش یابد. اما آنچه که مشخص است این است که تأمین بهتر کالاهای عمومی توسط دولت مشخصاً منجر به افزایش حجم اقتصاد رسمی می‌شود [۲۶].

اشنایدر در بررسی خود مشخص کرد که رابطه بین اقتصاد زیرزمینی و کیفیت خدمات بخش عمومی، یک رابطه دو طرفه است. به این مفهوم که رشد اقتصاد زیرزمینی نیز می‌تواند منجر به کاهش درآمد دولت و در نتیجه کاهش کیفیت کالاهای عمومی و کاهش کارایی مدیریت عمومی می‌شود. بنابراین انگیزه افراد و بنگاه‌ها برای انتقال به اقتصاد زیرزمینی بیشتر افزایش می‌یابد و مجدداً، کاهش درآمد مالیاتی دولت، افت

¹ Friedman et al.

² Loayza et al.

³ Kaufmann et al

کیفی و کمی خدمات عمومی را به همراه خواهد داشت. معمولاً در بررسی‌ها، برای کمی کردن متغیر کیفیت خدمات عمومی، یکی از ابعاد شاخص‌های حکمرانی جهانی^۱، تحت عنوان اثرگذاری دولت^۲، به کار گرفته می‌شود [۳۲]. بُعد اثرگذاری دولت، نظر افراد در مورد کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات اجتماعی و درجه استقلال آن از مسائل سیاسی، کیفیت سیاست‌گذاری دولت و نحوه اجرای آن و نهایتاً میزان تعهد دولت به این سیاست‌ها را جمع‌آوری و کمی‌سازی می‌کند [۴۷].

۴-۵- اثر پاسخ‌گویی دولت و حق مشارکت مردم^۳ بر اقتصاد زیرزمینی

اگر شهروندان بدانند که ترجیحات آنان توسط نهادهای سیاسی به خوبی نمایندگی شده و خدمات دولتی به طور مناسبی به آن‌ها ارائه می‌شود، اعتماد آن‌ها به دولت و نیز تمایل ایشان برای مشارکت در اقتصاد رسمی افزایش می‌یابد. همچنین قوانینی هم که از طریق مشارکت بالای شهروندان تصویب شده، بیشتر تبعیت شده و تمایل برای اجرای آن بیشتر است. مشارکت مردم در اقتصاد رسمی، به جلوگیری از سوءاستفاده برخی از سیاستمداران از قدرت، کمک کرده و به شهروندان فرصت می‌دهد که خواسته‌های خود را اعلام نمایند [۴۶].

در مجموع به نظر می‌رسد وجود یک دولت مشروع و پاسخگو، پیش شرط کلیدی در کاهش فعالیت افراد در اقتصاد زیرزمینی باشد. سطح بالای پاسخ‌گویی دولت و مشارکت مردم این اجازه را به افراد می‌دهد که ضمن بیان ترجیحات خود، در فرآیندهای سیاسی مشارکت یابند. این مشارکت، انگیزه برای فعالیت در بخش زیرزمینی را کاهش می‌دهد. اگر افراد و مقامات به لطف وجود چارچوب نهادی کارآمد، در یک تعامل متقابل با احساس مسئولیت جمعی قرار گیرند، کل سیستم بهتر مدیریت شده و سیاست‌ها مؤثرتر واقع می‌شوند [۳۱].

۴-۶- اثر دموکراسی بر اقتصاد زیرزمینی

در یک سیستم فدرال، رقابت میان حوزه‌های قدرت و نیز تحرک افراد به مثابه مانعی برای سیاستمداران عمل می‌کند، چرا که انتخاب‌ها به سمتی خواهد رفت که سیاست‌های اتخاذ شده به ترجیحات اکثر رای‌دهندگان نزدیک‌تر باشد. اشنایدر و تئوبالدلی^۴ (۲۰۱۲) دریافتند که دموکراسی مستقیم^۵ تاثیر معناداری بر اندازه اقتصاد زیرزمینی دارد. هر چه یک کشور عناصر دموکراتیک مستقیم بیشتری داشته باشد، حجم اقتصاد زیرزمینی در آن کشور کوچک‌تر است [۳۳].

¹ The Worldwide Governance Indicators

² Governance Effectiveness

³ Voice and Accountability

⁴ Schneider and Teobaldelli

⁵ Direct Democracy:

نوعی از دموکراسی که در آن مردم مستقیماً از طریق همه‌پرسی در مورد سیاست‌های دولت تصمیم می‌گیرند. مثال مشهور این مورد کشور سوئیس است.

برد و همکاران^۱ (۲۰۰۶) نیز معتقدند که یکی از دغدغه‌های اصلی نهادهای دموکراتیک همواره ایجاد یک اجماع عمومی در بین مالیات‌دهندگان و تامین خواسته‌های آنان بوده است. یک سیستم دموکرات کارآمد، علاقه‌مند به فراهم کردن آن چیزی است که مردم می‌خواهند و ترجیحات اشخاص و بنگاه‌ها را در قالب تصمیمات سیاسی برآورده می‌کند. در نتیجه، حجم اقتصاد زیرزمینی به دلیل اعتماد افراد و بنگاه‌ها به نهادهای رسمی، کاهش می‌یابد [۴۶].

۵- سایر عوامل تعیین کننده حجم اقتصاد زیرزمینی

آنچه تا کنون در مورد عوامل تعیین کننده حجم اقتصاد زیرزمینی ذکر شد، حاصل بررسی ادبیات برجسته این موضوع در سطح جهان بود. در ادامه به بررسی عواملی پرداخته می‌شود که اگرچه در ادبیات جهانی از آن‌ها در زمره عوامل اصلی یاد نشده، اما به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌تواند جزء عوامل تشدید کننده این پدیده باشد.

۵-۱- بیکاری

تقریباً تمام یافته‌های تجربی دلالت بر رابطه مثبت بین بیکاری و اقتصاد زیرزمینی دارند [۱۵]. اما علی‌رغم تایید رابطه میان بیکاری و اقتصاد زیرزمینی در برخی از مطالعات جهانی، جهت این رابطه مبهم توصیف شده است. ویلیامز و اشنایدر این‌گونه توضیح می‌دهند که افراد شاغل در اقتصاد زیرزمینی معمولاً از گروه‌های ناهمگن تشکیل شده‌اند. برخی از این افراد علاوه بر شغلی که در اقتصاد رسمی دارند، در اقتصاد زیرزمینی هم فعالیت می‌کنند. برخی تمام وقت در بخش غیررسمی مشغول بوده و برخی نیز اساساً اجازه فعالیت در بخش رسمی را ندارند، مانند مهاجرین غیرقانونی. همچنین برخی از افراد در زمان رکود اقتصاد و در نتیجه افزایش بیکاری، مجبور به فعالیت در این بخش می‌شوند [۴۳].

اشنایدر و باجادا^۲ (۲۰۰۹)، ضمن تایید این مسئله به بررسی رابطه بین نرخ بیکاری و اقتصاد زیرزمینی در کشورهای عضو OECD پرداختند. آن‌ها با تاکید بر نقش چرخه‌های اقتصادی، بیان می‌کنند که با کاهش درآمد در بازه‌های رکود اقتصادی، مصرف کالاها و خدمات هم در اقتصاد رسمی و هم در اقتصاد زیرزمینی کاهش می‌یابد. به طور همزمان، عموماً به دنبال کاهش حجم فعالیت‌ها در اقتصاد رسمی و اخراج کارگران توسط کارفرما به امید جبران کاهش درآمد، افزایش بیکاری رخ می‌دهد. اگر این افراد به منظور تامین معیشت و یا به عنوان مکملی برای کمک‌های دولتی از قبیل بیمه‌های بیکاری، به فعالیت‌های غیررسمی روی آورند، حجم اقتصاد زیرزمینی افزایش می‌یابد [۳۹].

¹ Bird et al.

² Schneider and Bajada

به طور کلی چالش‌های موجود در بخش رسمی بازار کار را می‌توان در دو بُعد عرضه و تقاضای نیروی کار بررسی نمود. در بُعد عرضه، فقر و نیاز و عدم امکان اشتغال در بخش رسمی است که افراد را به بخش زیرزمینی سوق می‌دهد؛ در بخش تقاضا نیز، عدم التزام کارفرما به تعهدهای قانونی و حقوقی و سودجویی وی سبب می‌شود که با هدف کاهش هزینه‌های مبادله خود، نیروی کار را از بخش غیر رسمی تقاضا نماید [۶].

البته ممکن است این شبهه مطرح باشد که کارآفرینانی که در بخش غیررسمی برای خود و دیگران گریزگاهی برای خروج از مجموعه بیکاران می‌یابند، در واقع فرصت شغلی خلق می‌کنند. اما این مسئله تنها بخشی از واقعیت است. فعالیت‌هایی مانند قاچاق، هر چند هم که به طور محدود برای افراد شغل ایجاد کند، اما با کاهش آثار سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان داخلی، بخشی از فرصت‌های شغلی بالقوه و بالفعل را از بین می‌برد [۱۵].

۶- تاثیر اقتصاد زیرزمینی بر اقتصاد رسمی

در رابطه با تاثیر متقابل اقتصاد زیرزمینی و اقتصاد رسمی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. شهاب و پژویان (۱۳۹۴) در مطالعه خود، سه رویکرد نظری را در این ارتباط معرفی کردند. رویکرد اول که بیشتر از سوی نئوکلاسیک‌ها مطرح می‌شود بر این باور است که ارتباط متقابل و تعامل بین اقتصاد رسمی و اقتصاد زیرزمینی مثبت است. در این دیدگاه، اقتصاد زیرزمینی در واکنش به تقاضای محیط اقتصادی برای خدمات شهری و تولید در مقیاس کوچک، مفید است. به این مفهوم که اقتصاد زیرزمینی سبب ایجاد پویایی و کارآفرینی در اقتصاد رسمی شده و می‌تواند به رقابت بیشتر، کارایی بالاتر و محدودسازی فعالیت‌های دولتی منجر شود [۳۸].

در رویکرد دوم تعامل بین اقتصاد رسمی و اقتصاد زیرزمینی منفی است. این طیف بیشتر بر اثرات مخرب اقتصاد زیرزمینی بر طرف تقاضا و طرف عرضه تاکید دارند [۷]. به‌طور معمول دیدگاه غالب در رابطه با اقتصاد زیرزمینی، بر این نکته اشاره دارد که حتی اگر اندازه اقتصاد زیرزمینی کوچک باشد، تاثیر آن بر سیاست عمومی، چندوجهی و به صورت بالقوه بسیار مهم است.

یکی از انتقادات عمده نسبت به اقتصاد زیرزمینی ارتباط آن با فرار مالیاتی است. همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، اقتصاد زیرزمینی سبب کاهش درآمدهای دولت شده که منجر به کاهش خدمات عمومی ارائه شده توسط دولت و افزایش فشار مالیاتی بر مالیات دهندگان به منظور جبران درآمدهای از دست رفته می‌شود. در مقابل نرخ بالاتر مالیات، خود سبب گرایش بیشتر به سمت بازار غیرقانونی در یک دور باطل می‌شود [۲۹].

مطالعات زیادی در این رابطه صورت گرفته است. هوستون^۱ (۱۹۸۷) معتقد است که اقتصاد زیرزمینی با مالیات و سیاست‌های پولی ارتباط دارد و نتیجه‌گیری می‌کند که وجود اقتصاد زیرزمینی می‌تواند منجر به تشدید آثار تورمی ناشی از سیاست‌های پولی و مالی شود. برخی نیز معتقدند که کاهش معنادار در اقتصاد زیرزمینی منجر به افزایش قابل ملاحظه در درآمدهای مالیاتی شده که در نتیجه کیفیت و کمیت کالاها و خدمات عمومی افزایش می‌یابد و در نهایت می‌تواند موجب رشد اقتصادی شود.

یکی دیگر از اثرات اقتصاد زیرزمینی، اثرگذاری بر تولید ناخالص داخلی است. لویزا^۲ (۱۹۹۶) ادعا دارد که افزایش نسبی اندازه اقتصاد غیررسمی در دو حالت موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود: حالت اول زمانی است که بار مالیات قانونی بیش از بار مالیاتی بهینه است و دوم در جایی که الزام به تبعیت از قانون ضعیف است. لویزا شواهدی را هم از کشورهای آمریکای لاتین ارائه می‌دهد که اگر اقتصاد زیرزمینی یک درصد (از تولید ناخالص داخلی) - در صورت ثابت بودن سایر متغیرها - افزایش یابد، نرخ تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی رسمی ۱,۲۲ درصد کاهش می‌یابد [۳۸].

بررسی‌های انجام شده توسط الگین و ازتانیلی^۳ نیز نشان داد که در کشورهایی با کیفیت نهادی پایین، تولید ناخالص داخلی سرانه بالاتر با بخش غیررسمی بزرگتر مرتبط است. در مقابل اندازه اقتصاد غیررسمی در کشورهایی که کیفیت نهادها در آن بالا است، با تولید ناخالص داخلی سرانه رابطه منفی دارد [۲۲].

بر اساس برخی بررسی‌ها، اقتصاد زیرزمینی سبب کاهش توان رقابتی تولیدکنندگان رسمی می‌شود. در واقع فعالان اقتصاد زیرزمینی از پرداخت یکسری از هزینه‌ها سرباز می‌زنند به طور مثال در این نوع بازار مالیات پرداخت نشده و لزومی به تبعیت از مقررات بازار کار، بهداشت، بیمه و استانداردهای محیط کار نیست. میرون^۴ (۲۰۰۳) هزینه‌های این‌گونه مقررات را تقریباً تا ۴۰ درصد قیمت کالاها قانونی برآورد می‌کند. با اضافه شدن حدود ۱۰ درصد هزینه‌های تبلیغات که تولیدکنندگان زیرزمینی متحمل آن نمی‌شوند، میرون برآورد می‌کند که فعالان بازار قانونی قیمت کالاها را تقریباً دو برابر می‌کنند و یا به عبارت دیگر تولیدکنندگان غیرقانونی ۵۰ درصد هزینه‌های تولید را صرفه‌جویی می‌کنند. بنابراین هزینه‌های تولید و قیمت‌ها در بازار زیرزمینی اغلب کمتر از بازار قانونی بوده و در نتیجه این بازار می‌تواند با کاهش توان تولیدکنندگان رسمی تاثیری بیش از سیاست‌های مالیاتی و تنظیم مقررات داشته باشد [۲۹]. نتیجه آنکه بخش غیررسمی در رقابتی ناعادلانه با بخش رسمی که به دلیل تبعیت از قوانین هزینه‌های زیادی را می‌پردازد، منجر به افول اقتصاد رسمی می‌شود.

از دیگر آثار مخرب اقتصاد زیرزمینی که در مطالعات زیادی به آن اشاره شده، بی‌اثر کردن یا به عبارتی ناکارآمد کردن سیاست‌های دولت است. تقی‌نژاد عمران و نیک‌پور (۱۳۹۲) این موضوع را این‌گونه عنوان

¹ Houston

² Loayza

³ Elgin and Oztunali

⁴ Miron

کردند که فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی معمولاً نامنظم، پراکنده و غیرقانونی بوده و به همین دلیل در گزارش حساب‌های ملی محاسبه نمی‌شود. این عدم جامعیت حساب‌های ملی موجب سیاست‌گذاری برپایه اطلاعات غلط می‌شود [۱۰]. اثر سوء این موضوع را می‌توان در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی در قالب بودجه سالانه و برنامه‌های بلندمدت اقتصادی دید.

همچنین برخی کاهش بهره‌وری را نیز از جمله آثار جانبی اقتصاد زیرزمینی می‌دانند. بر این اساس کسب و کارهای زیرزمینی به دلیل گریز از حیطه نظارت دولتی ماهیت اغلب پنهان داشته و به همین دلیل اندازه آنها معمولاً کوچک است و از صرفه‌های ناشی از مقیاس محروم می‌شوند. علاوه بر آن سرمایه‌گذاری کمتر و حضور نیروی کار بی‌کیفیت در چنین بنگاه‌هایی، پتانسیل استفاده از فناوری‌های نوین به عنوان یکی از عوامل بهره‌وری را در آنها کاهش می‌دهد. ذکر این نکته هم ضروری است که گرچه بازار غیررسمی به دلیل پرداخت نکردن برخی حقوق دولتی در هزینه‌ها صرفه‌جویی می‌کند، اما همین موضوع در نهایت سبب محرومیت از برخی حمایت‌های قانونی و تسهیلات اعتباری می‌شود. نتیجه آنکه فضای کسب و کار این بنگاه‌ها نامساعد و سطح بهره‌وری نسبت به بنگاه‌های رسمی کاهش می‌یابد [۱۵].

مکتب نهادگرایی نوین نیز از منظر تداوم توسعه نیافتگی، به آثار مخرب اقتصاد غیررسمی اشاره می‌کند. بر اساس این دیدگاه، حجم بالای فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی، یکی از ویژگی‌های کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. نبود ساختارهای نهادی کارآمد و رسمی در این کشورها موجب بالا رفتن هزینه‌های معاملاتی و در نتیجه تشویق صاحبان کسب و کار به دور زدن قوانین و ساختارهای نهادی رسمی و حرکت به سمت بازار غیررسمی می‌شود [۱۵].

همچنین قانون‌گریزی موجود در فعالیت‌های غیررسمی منجر به اختلال جدی در نظم قانونی کشور شده و نبود حاکمیت قانون منجر به عدم حفاظت از حقوق مالکیت می‌شود. چنین ساختاری فعالان اقتصادی را به سمت مبادلات شخصی که مشخصه کشورهای توسعه نیافته است سوق داده و در نتیجه سبب استمرار توسعه نیافتگی می‌شود. در فعالیت‌های اقتصادی به عنوان یکی از مشخصه‌های کشورهای توسعه نیافته می‌شود. داگلاس نورث و همکارانش در همین رابطه ادعا دارند که حاکمیت قانون، نخستین شرط اصلی گذار به توسعه یافته‌گی است که در نبود آن تحقق شرایط دیگر نیز ناممکن می‌شود [۱۵].

این جنبه از آثار اقتصاد غیررسمی موجب شده است تا علیرغم وجود ادعاهایی در مورد آثار مثبت فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، فعالیت در اقتصاد زیرزمینی به عنوان یک تهدید جدی برای حیات اجتماعی به حساب آید [۱۵].

در نهایت در رویکرد سوم نوع تعامل بین اقتصاد زیرزمینی و رسمی ذاتی تلقی نمی‌شود، بلکه عقیده بر این است که مثبت یا منفی بودن این ارتباط و نحوه تعامل به درجه توسعه کشورها و عوامل مرتبط با آن بستگی

دارد و رابطه میان اقتصاد رسمی و اقتصاد زیرزمینی بسته به شرایط توسعه ممکن است مثبت یا منفی باشد [۷].

۷- اقتصاد زیرزمینی در ایران

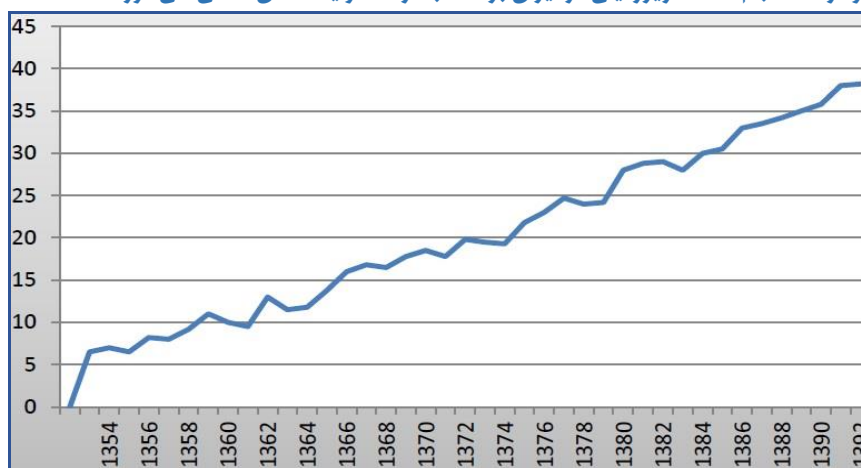
وجود تفاوت میان آمارهای درآمد و هزینه خانوارها، میزان و ارزش پرونده‌های قاچاق کالا، عمیق‌تر شدن فاصله طبقاتی، ناکارآمدی سیاست‌های دولت و عواملی از این دست در اقتصاد ایران، نشان‌دهنده وقوع بخشی از فعالیت‌های اقتصادی در بخش زیرزمینی است.

اغلب مطالعات انجام شده در ایران به اثر منفی اقتصاد زیرزمینی دلالت دارد. به طور مثال علی اقارب‌پرست در مطالعه خود که در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۲ انجام شد، رابطه مثبت بین رشد اقتصاد زیرزمینی و رشد شکاف تولید را تأیید کرده است. این بدان معنی است که با گسترش و رشد اقتصاد زیرزمینی در ایران، شکاف تولید افزایش داشته که منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود [۳].

تا کنون مطالعات مختلفی در مورد تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران انجام شده است^۱. عمده این تحقیقات با استفاده از الگوهای اقتصاد سنجی، سعی در اندازه‌گیری و بررسی علل و آثار اقتصاد زیرزمینی در دوره‌های زمانی مختلف داشته‌اند. طولانی‌ترین دوره مورد بررسی در این مطالعات مربوط به کار فطرس و دلایی میلان (۱۳۹۲) است که اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران را برای دوره ۹۱-۱۳۴۲ و معادل ۱۸,۲ درصد از تولید ناخالص داخلی تخمین زده‌اند [۱۵].

همچنین در یکی از مطالعات اخیر، پیرایی و رجایی (۱۳۹۴) نشان داده‌اند که حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران در دوره ۹۲-۱۳۵۳ روندی افزایشی داشته و از ۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۳ به ۳۸,۵ درصد در سال ۱۳۹۲ بالغ شده است (نمودار شماره ۱) [۸].

نمودار ۱- حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران بر حسب درصد تولید خالص داخلی طی دوره ۹۲-۱۳۵۳



منبع: [۸]

^۱ از جمله خلعتبری (۱۳۶۹)، طاهر فر (۱۳۷۶)، عرب‌مازازی (۱۳۸۰)، شکیبایی و رئیس‌پور (۱۳۸۶)، نادران و صدیقی (۱۳۸۷) و صمیمی و اکبری (۱۳۹۲) و غیره.

پورکاظمی و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان دادند که حجم متوسط اقتصاد زیرزمینی در سال‌های انقلاب و جنگ، برنامه اول، دوم، سوم و چهارم توسعه به ترتیب معادل ۲۱، ۱۲، ۲۹، ۱۹ و ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسمی بوده است. آخرین برآورد انجام شده در این مطالعه مربوط به سال ۱۳۸۹ است که در آن حجم اقتصاد زیرزمینی معادل ۲۰٫۱ درصد از تولید ناخالص داخلی رسمی بوده است [۳۰].

اشنایدر (۲۰۱۰) نیز در مطالعه خود حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران را برای سال ۲۰۰۷، معادل ۱۷٫۳ درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زده است [۳۶]. بعد از وی در بررسی که توسط الگین و ازتانلی (۲۰۱۲) انجام شد، حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران در سال ۲۰۰۹ معادل ۱۶٫۹۵ درصد محاسبه شده است [۲۳].

مطالعات اشنایدر و تخمین وی از حجم اقتصاد زیرزمینی در کشورهای جهان در سال‌های بعد از ۲۰۰۷ میلادی نیز به روزرسانی شده است. اما آخرین برآورد وی از حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران مربوط به سال ۲۰۱۳ و معادل ۱۶٫۷۱ درصد است. متوسط حجم اقتصاد زیرزمینی ایران در دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۹ نیز معادل ۱۷٫۸۴ درصد است. در همین دوره متوسط حجم اقتصاد زیرزمینی در کشورهایمانند ترکیه (۳۷٫۳۳)، مصر (۳۷٫۵۹)، امارات متحده عربی (۲۶٫۰۹)، عربستان (۱۷٫۳۲) و در کشورهای توسعه یافته مانند سوئیس (۹٫۰۹) و ایالات متحده (۹٫۱۷) درصد بوده است [۳۷].

عرب‌مازار و همکاران (۱۳۹۵)، با بهره‌گیری از محاسبات قبلی انجام شده در مطالعات فارسی که تا سال ۱۳۹۴ انتشار یافته، اقدام به برآورد اندازه نسبی اقتصاد زیرزمینی در ایران برای دوره ۹۴-۱۳۹۲ و نیز پیش‌بینی آن در افق برنامه ششم (۹۹-۱۳۹۵) نموده است. نتایج این مطالعه در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱- برآورد و پیش‌بینی اندازه نسبی اقتصاد زیرزمینی در ایران طی دوره ۹۹-۱۳۹۲

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	میانگین دوره لایحه برنامه ششم (۹۹-۱۳۹۵)
برآورد و پیش‌بینی بر مبنای روند مطالعات داخلی*	۲۸٫۰۸	۲۸٫۹۲	۲۹٫۷۸	۳۰٫۶۷	۳۱٫۵۹	۳۲٫۵۳	۳۳٫۵۱	۳۴٫۵۱	۳۲٫۵۶

منبع: [۱۵]

* اعداد برحسب درصد از تولید ناخالص داخلی هستند.

نکته جالب توجه این‌که میانگین همه اعداد برآورد شده از حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران، معادل ۱۹٫۲ درصد است [۱۵]، که به میانگین ارقام محاسبه شده توسط اشنایدر و همکارانش در دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۹ و معادل ۱۷٫۸۴ درصد نزدیک است.

لازم به ذکر است که محاسباتی که نتایج بسیار متفاوتی با سایر مطالعات داشته‌اند از این بررسی حذف شده‌اند.

تفاوت در محاسبات به طور عمده به تفاوت در دوره مورد مطالعه، تفاوت در مفاهیم مورد بررسی و نیز تفاوت در نوع تعریف متغیرها و یا روش‌های اندازه‌گیری برمی‌گردد [۱۵]. اما باید توجه داشت که محاسبه اقتصاد زیرزمینی به دلیل ماهیت آن و به ویژه برای اقتصاد ایران به دلیل شرایط خاص حاکم بر آن، کار دشواری است و نمی‌توان تمام عوامل مؤثر را در قالب متغیرهای کمی در الگوهای برآوردی وارد نمود. بنابراین دستیابی به تخمین‌های دقیق‌تر، احتیاج به بررسی‌های بیشتری در این حوزه دارد.

۷-۱- ضعف نهادی و پیدایش اقتصاد زیرزمینی در ایران

همانطور که گفته شد، طیف وسیعی از عوامل مختلف اقتصادی و غیراقتصادی در ایجاد و توسعه اقتصاد زیرزمینی دخیل هستند که بسته به بسترهای فرهنگی و زیرساختی هر جامعه، دامنه اثر هر کدام متفاوت خواهد بود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، چارچوب نهادی معیوب، یکی از دلایل اصلی گسترش اقتصاد زیرزمینی است. بر این اساس نگاهی به وضعیت نهادی در کشور گویای آن است که چارچوب نهادی در کشور از کارآمدی لازم برای فعالان اقتصادی برخوردار نیست.

یکی گزارش‌هایی که به بررسی وضعیت نهادی کشورها می‌پردازد، گزارش سالیانه رقابت‌پذیری^۱ است که هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود. شاخص رقابت‌پذیری در رکن نهادهای خود با بررسی زیر شاخص‌هایی نظیر حقوق مالکیت، انحراف در منابع عمومی^۲، اعتماد عمومی به سیاستمداران، پرداخت‌های غیرمستعارف و رشوه^۳، استقلال قوه قضائیه، هدررفتن منابع توسط دولت^۴، نقش روابط در تصمیم‌گیری‌های مقامات دولتی^۵، کارایی چارچوب حقوقی در حل و فصل دعاوی^۶، شفافیت در سیاست‌های دولت و مواردی از این دست، به بررسی وضعیت نهادی کشورها می‌پردازد. بر اساس آخرین گزارش رقابت‌پذیری در سال ۱۸-۲۰۱۷، وضعیت نهادی ایران نابسامان ارزیابی شده است.

جدول ۲- بررسی وضعیت نهادی کشور بر اساس گزارش رقابت‌پذیری ۱۸-۲۰۱۷

رتبه در بین ۱۳۷ کشور	نمره از ۱ تا ۷ (بهترین وضعیت)	شاخص‌های مربوط به رکن نهادها
۱۰۰	۳,۸	حقوق مالکیت
۱۰۷	۳,۵	حمایت از حقوق مالکیت فکری
۶۸	۳,۵	انحراف در منابع عمومی

¹ Competitiveness Report

² Diversion of Public Funds

³ Irregular Payments and Bribes

⁴ Wastefulness of Government Spending

⁵ Favoritism in Decisions of Government Officials

⁶ Efficiency of Legal Framework in Settling Disputes

رتبه در بین ۱۳۷ کشور	نمره از ۱ تا ۷ (بهترین وضعیت)	شاخص های مربوط به رکن نهادها
۴۹	۳,۴	اعتماد عمومی به سیاستمداران
۸۳	۳,۶	پرداخت های غیرمتعارف و رشوه
۸۱	۳,۶	استقلال قوه قضائیه
۴۵	۳,۷	هدررفتن منابع توسط دولت
۴۶	۳,۶	نقش روابط در تصمیم گیری های مقامات دولتی
۷۶	۳,۵	کارایی چارچوب حقوقی در حل و فصل دعاوی
۱۰۵	۳,۵	شفافیت در سیاست های دولت

Source: Global Competitiveness Report 2017-18

شاخص ادراک فساد^۱ (CPI) که درجه فساد موجود در میان مقامات اداری و سیاستمداران را نشان می دهد و توسط سازمان شفافیت بین الملل برای کشورها محاسبه می گردد، همواره نمره ایران را نامناسب ارزیابی کرده است. در سال ۲۰۱۶ نمره ایران از ۱۰۰ (بهترین وضعیت)، ۲۹ بوده و از بین ۱۷۶ کشور، رتبه ۱۳۱ را کسب نموده است.

شاخص حقوق مالکیت بین المللی^۲ هم که توسط اتحادیه حقوق مالکیت تهیه می شود و با تمرکز بر محیط حقوقی و سیاسی، حقوق مالکیت فیزیکی و حقوق مالکیت فکری، میزان حمایت کشورها را از حقوق مالکیت بررسی می کند، وضعیت ایران را در حمایت از حقوق مالکیت رضایت بخش اعلام نمی کند. در سال ۲۰۱۷ نمره ایران ۴,۵ از ۱۰ (بهترین وضعیت) بوده است که حاکی از ضعف کشور در این حوزه است.

بررسی شاخص های حکمرانی بانک جهانی در سال ۲۰۱۷^۳ نیز گویای وضعیت نامساعد کشور در این زمینه است. مروری بر شاخص های فوق از اولین سال محاسبه تا کنون، همواره نشان از وضعیت نامناسب کشور داشته است که متعاقباً اثرات خود را بر محیط اقتصادی و فعالیت بخش خصوصی نیز می گذارد.

جدول ۳- بررسی وضعیت شاخص های حکمرانی ایران - ۲۰۱۷

شاخص های حکمرانی	نمره از ۲,۵ - تا ۲,۵ (بهترین وضعیت)
حق اظهار نظر (شهروندان) و پاسخگویی (دولت)	-۱,۳۹
ثبات سیاسی و فقدان خشونت ^۴	-۰,۷۴
اثرگذاری دولت	-۰,۲۰
کیفیت مقررات	-۱,۲۳
حاکمیت قانون	-۰,۷۱
کنترل فساد	-۰,۷۲

Source: www.govindicators.org

^۱ Corruption Perceptions Index

^۲ International Property Rights Index (IPRI)

^۳ در گزارش به روزرسانی شده سال ۲۰۱۷، آخرین آمار ارائه شده مربوط به سال ۲۰۱۶ است.

^۴ Political Stability and Absence of Violence

شاخص انجام کسب و کار بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ نیز وضعیت محیط کسب و کار کشور را که بستری برای انجام فعالیت های اقتصادی رسمی به شمار می رود، مناسب ارزیابی نمی کند. ایران با نمره ۵۷،۲۶ از ۱۰۰ (بهترین وضعیت)، در جایگاه ۱۲۰ام در بین ۱۹۰ کشور قرار دارد.

آنچه در مورد وضعیت ایران گفته شد نشان می دهد تا زمانی که اصلاحات و بازنگری های جدی در چارچوب نهادی حاکم بر کشور صورت نگیرد، نمی توان اقدام مؤثری در راستای کاهش اقتصاد زیرزمینی انجام داد. همانطور که در بخش قبل به تفصیل علاوه بر عوامل نهادی ایجاد کننده اقتصاد زیرزمینی، عوامل دیگری نیز در ایجاد و گسترش این پدیده دخیل هستند که در ادامه به آن پرداخته می شود.

۷-۲- سایر عوامل تعیین کننده حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران

۷-۲-۱- بارمالیاتی

نبود نظام مالیاتی کارآمد و سیاست ها و روش های مستمر بلندمدت را می توان از جمله عوامل تشدید کننده حرکت به سمت فرار مالیاتی و ورود به بخش غیررسمی دانست. براساس اطلاعات گردآوری شده توسط گروه انجام کسب و کار بانک جهانی در سال ۲۰۱۷، در کشور ایران شرکت ها به طور متوسط سالیانه ۲۰ بار برای پرداخت مالیات و کسورات قانونی اقدام می کنند، ۳۴۴ ساعت صرف تشکیل پرونده، آماده سازی اسناد و پرداخت مالیات و کسورات قانونی کرده و در مجموع ۴۴،۱ درصد از سود سالیانه خود را بابت مالیات و کسورات قانونی پرداخت می کنند. بر این اساس، ایران در شاخص پرداخت مالیات در بین ۱۹۰ کشور در گزارش منتشر شده در سال ۲۰۱۷، رتبه ۱۰۰ را کسب کرده است که رتبه خوبی محسوب نشده و نشان دهنده ناکارآمدی نسبی سیستم مالیاتی است. می توان گفت این ضعف نظام مالیاتی نیز، نوعی ناکارآمدی نهادی در کشور است و بار مقرراتی در این زمینه، فعالان اقتصادی را به سمت اقتصاد زیرزمینی سوق می دهد.

از سوی دیگر، ناچیز بودن درآمد مالیاتی در ایران، می تواند حاکی از حجم بالای فعالیت های زیرزمینی و گسترده بودن شکاف مالیاتی در کشور باشد [۱۸]. در سال ۱۳۹۵، درآمدهای مالیاتی محقق شده، تنها حدود ۸ درصد تولید ناخالص داخلی (به قیمت جاری) بوده است.

بررسی نرخ های مالیاتی در ایران و مقایسه آن با کشورهای دیگر نشان می دهد که مالیات پرداختی بنگاه ها نسبت به سود بنگاه، قابل توجه بوده و همچنین میزان پرداخت های بنگاه بابت تأمین اجتماعی (بر حسب شاخص گروه کسب و کار بانک جهانی) رقم بالایی است [۵].

مطالعات پیرایی و رجایی (۱۳۹۶) نشان‌دهنده یک رابطه بلندمدت مثبت میان اقتصاد زیرزمینی و نرخ بیکاری در ایران است. در این بررسی، رابطه علیت یک‌طرفه از بیکاری به اقتصاد زیرزمینی تایید شده است [۹]. عرب‌مازار (۱۳۸۰) نیز تصریح می‌کند که رشد بیکاری، انگیزه فعالیت در حوزه‌های ممنوعه و غیرمجاز را افزایش می‌دهد [۱۴]. می‌توان این‌گونه استدلال نمود که افراد به منظور تامین معیشت خود ناگزیر از یافتن شغل هستند و از آن‌جا که در بخش رسمی امکان داشتن دو شغل همزمان تقریباً وجود ندارد، لذا نرخ‌های بالای بیکاری و سهم رو به افزایش جمعیت غیر فعال، می‌تواند از انگیزه‌های اصلی افراد در فعالیت در بخش غیررسمی و افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی باشد.

بیکاری زنان، جوانان و دانش‌آموختگان و وجود جمعیت میلیونی دانشجویان (که همزمان با فرصت، می‌تواند تهدیدی نیز برای اقتصاد کشور محسوب شود)، از چالش‌های اساسی کشور در بازار کار محسوب می‌شود که می‌تواند منجر به افزایش فعالیت‌های غیررسمی شود [۱۳].

۷-۲-۳- تحریم‌های اقتصادی

به دلیل وابستگی بودجه کشور به نفت، تحریم‌های اقتصادی از کانال تاثیر بر تراز پرداخت‌ها و بودجه، بر اقتصاد زیرزمینی تاثیر می‌گذارد. اعمال تحریم‌ها، سبب کاهش درآمدهای ارزی و در نتیجه سهمیه‌بندی ارز شده و لذا یک نظام ارزی دو یا چند نرخ شکل می‌گیرد که زمینه را برای افزایش کم‌اظهاری صادرات و بیش‌اظهاری واردات و در نتیجه گسترش اقتصاد غیررسمی فراهم می‌کند. به علاوه اعمال تحریم‌ها سبب می‌شود که دولت با کاهش درآمد حاصل از فروش نفت مواجه شده و تلاش می‌کند با افزایش مالیات‌ها، درآمد کاهش یافته را جبران نماید که خود افزایش بار مالیاتی عاملی مؤثر در گسترش اقتصاد زیرزمینی محسوب می‌شود [۱۵].

از دیدگاه توسعه‌ای نیز تحریم‌ها سبب کاهش شفافیت در عملیات تجاری و مبادلات ارزی می‌شود. بنابراین بستر مناسبی برای افزایش فساد، رانت‌جویی و گسترش اقتصاد زیرزمینی فراهم می‌شود. همچنین اعمال تحریم سبب افزایش مداخلات دولت در اقتصاد (مانند سهمیه‌بندی، قیمت‌گذاری و غیره) می‌شود [۱۵].

۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آن‌چه در بررسی ادبیات موجود در باب اقتصاد زیرزمینی در ایران و جهان مشهود است، ضعف جدی این منابع در تکیه به یک چارچوب نظری معین است. مطالعات صورت گرفته در این خصوص بیشتر در راستای برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی بوده و توجه به یک چارچوب نظری مشخص را به حاشیه رانده است. لذا

می‌توان گفت که بدون لحاظ نمودن چارچوب نظری، عمده مطالعات دارای نقایص عمده و جدی است. به نظر می‌رسد استفاده از نظریه نهادگرایی نوین می‌تواند تا حد زیادی برطرف کننده این نقص و نقطه اتکایی برای مطالعات آتی باشد [۱۵]. بر این اساس در این مطالعه بیشتر بر جنبه نهادی این موضوع تکیه گردیده است. شناسایی زنجیره نهادهای معیوب و تلاش در جهت اصلاح آن، می‌تواند سبب کاهش تدریجی اقتصاد زیرزمینی در خلال توسعه اقتصادی باشد. این مسئله برای کشوری مانند ایران که وابستگی بالایی به نفت داشته، سیستم مالیاتی در آن به طور مؤثر عمل نکرده و مدت‌ها در معرض انواع تحریم‌های اقتصادی بوده است، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است.

بدون شک ضعف‌های نهادی از قبیل فساد فراگیر، عدم امنیت حقوق مالکیت، بار مقرراتی بالا، کیفیت نامناسب خدمات بخش عمومی و عدم پاسخ‌گویی دولت و ناکارآمدی سیستم مالیاتی، سبب تشدید عواقب وجود اقتصاد زیرزمینی در کشوری مانند ایران خواهد شد. اصلاح نهادها در جهت فعالیت‌های مولد، می‌تواند عامل مؤثری در کاهش فعالیت‌های غیرشفاف و غیررسمی باشد. لذا شناسایی، بررسی و اصلاح نهادهای حاکم بر کشور، باید در دستور کار دولت قرار گیرد.

بسیاری از موانع ایجاد شده بر سر راه فعالیت رسمی اقتصادی، به واسطه اعطای رانت‌های دولتی به گروهی خاص، سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی ناکارآمد ایجاد می‌شود [۱۱]، که مانعی برای فعالیت شفاف سایر فعالان اقتصادی می‌شود. این در حالی است که دولت با استفاده از حجم عظیم منابع در دسترس خود، می‌تواند ضمن ایجاد هماهنگی بین قوای مختلف در جهت تقویت چارچوب نهادی، منشاء حضور هر چه پررنگ‌تر افراد و بنگاه‌ها در اقتصاد رسمی بوده و به جای نقش‌های اجرایی، عهده‌دار نظارت بر امور و حسن اجرای سیاست‌های مؤثر شود.

در رابطه با سیستم مالیاتی ایران نیز، آنچه که مسلم است، ساده‌سازی، تلاش در جهت افزایش پایه‌های مالیاتی و منطقی کردن نرخ‌های مالیاتی برای بخش‌های مولد، الزامی است. در صورتی که نظام مالیاتی ساده و قابل فهم باشد، نه تنها هزینه‌های مؤدی برای تمکین در مقابل نظام مالیاتی کاهش می‌یابد، بلکه هزینه‌های نظام مالیاتی برای جمع‌آوری مالیات نیز کاهش می‌یابد. همچنین ایجاد زیرساخت‌های لازم برای گسترش ثبت و پرداخت الکترونیکی مالیات می‌تواند هزینه‌های پرداخت مالیات کارفرما را کاهش داده و از افزایش فرار مالیاتی و گسترش اقتصاد پنهان جلوگیری نماید [۵]. افزایش پایه‌های مالیاتی، از طریق اتخاذ یک رویکرد یکسان به بنگاه‌های خصوصی و شبه دولتی و نهادهای عمومی و نیز استفاده از تجارب کشورهای موفق در تقلیل بار اجرایی و فرارهای مالیاتی، می‌تواند راهگشا باشد.



اصلاح چارچوب نهادی در جهت تقویت بخش حقیقی اقتصاد، راهکاری اساسی برای حل معضل بیکاری و متعاقبا جلوگیری از گسترش فعالیت‌های غیررسمی است. تلاش در جهت عادلانه کردن توزیع درآمد و کاهش فقر نیز به موازات سیاست‌های اشتغال، می‌تواند در این راستا موثر واقع شود.

همه موارد فوق‌الذکر، نیازمند همکاری قوای سه‌گانه و مشارکت آحاد مردم است و از عهده یک نهاد یا سازمان خاص خارج است.

- ۱- اسفندیاری، علی اصغر.، جمل منش، آر.ش.، (۱۳۸۱)، "اقتصاد زیرزمینی و تاثیر آن بر اقتصاد ملی"، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۷.
- ۲- اسفندیاری، علی اصغر.، مهربانی، فاطمه.، (۱۳۸۵)، "بررسی اقتصاد زیرزمینی از دو روش شکاف درآمد هزینه خانوار و نسبت نقد"، فصل نامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۴.
- ۳- اقرب پرست، علی.، (۱۳۹۲)، "تحلیل تأثیر اندازه اقتصاد سایه‌ای بر رشد اقتصادی کشور ایران ۹۰-۱۳۶۸"، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد.
- ۴- امیدپور، رضا.، پژویان، جمشید.، محمدی، تیمور.، معمارنژاد، عباس.، (۱۳۹۴)، "برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی: تحلیل تجربی در ایران"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۸.
- ۵- "بایسته‌های نظام مالیاتی برای خروج از رکود"، بررسی مسائل روز اقتصاد ایران، معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، آبان ماه ۱۳۹۴.
- ۶- بختیاری، صادق.، خوب‌خواهی، خجسته.، (۱۳۹۰)، "اشتغال در بازار کار غیر رسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۸۵-۱۳۵۱)"، دو فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، شماره ۱۵.
- ۷- پژویان، جمشید.، شهاب، محمدرضا.، (۱۳۹۴)، "ارتباط بین اقتصاد سایه‌ای و رشد اقتصادی: یک تحلیل تجربی با استفاده از سیستم معادله‌های پنل همزمان"، فصل نامه اقتصاد مالی، دوره ۹، شماره ۳۰.
- ۸- پیرایی، خسرو.، رجایی، حسینعلی.، (۱۳۹۴)، "اندازه گیری اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی علل و آثار آن"، فصل نامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال سوم، شماره نهم.
- ۹- پیرایی، خسرو.، رجایی، حسینعلی.، (۱۳۹۶)، "ارتباط بین اقتصاد زیرزمینی و بیکاری در ایران"، مجله علمی تخصصی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سال دوم، شماره ۲۳ جلد ۱.
- ۱۰- تقی نژاد عمران، وحید.، نیک‌پور، معصومه.، (۱۳۹۲)، "اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن: مطالعه موردی ایران"، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال دوم، شماره ۸.
- ۱۱- جعفری صمیمی، احمد.، اکبری، محسن.، (۱۳۹۲)، "بررسی عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی (۸۸-۱۳۵۷)"، اولین همایش ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران، تهران.
- ۱۲- سلیمی فر، مصطفی.، کیوان فر، محمد.، (۱۳۸۹)، "اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم بر آن"، مجله دانش و توسعه، سال هجدهم، شماره ۳۳.
- ۱۳- "ضرورت نگاهی عمیق‌تر به نرخ بیکاری و کاستی‌های آن (تحلیلی بر بازار کار ایران)"، معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اسفندماه ۱۳۹۵.
- ۱۴- عرب‌مازار یزدی، علی.، (۱۳۸۰)، "اقتصاد سیاه در ایران، اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر"، مجله برنامه و بودجه، ۶۲ و ۶۳.
- ۱۵- عرب‌مازار یزدی، علی.، حاجی حسینی، طاهره.، نوروزی‌نژاد، مریم.، (۱۳۹۵)، "اقتصاد غیر رسمی در ایران"، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
- ۱۶- غفاری، فرهاد.، علیزاده، هانیه.، (۱۳۹۲)، "برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل مؤثر بر آن"، فصلنامه اقتصاد مالی دانشکده اقتصاد و حسابداری واحد تهران مرکز، دوره ۷، شماره ۲۵.
- ۱۷- "مطالعه‌ای در باب پدیده فساد؛ دلایل بروز، تبعات و راهکارهای مبارزه"، معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، مردادماه ۱۳۹۵.

- ۱۸- نادران، الیاس. ، صدیقی، حسن. ، (۱۳۸۷)، "بررسی اثر مالیات‌ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران (۸۲-۱۳۵۱)"، تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۳، شماره ۸۵.
- ۱۹- "نهاده‌ها و تولید"، اقتصاد به زبان ساده، معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، مردادماه ۱۳۹۵.
- ۲۰- نورث، داگلاس سسیل. (۱۹۲۰)، "نهاده‌ها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی"، ترجمه محمدرضا معینی، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۷
- ۲۱- Dreher, Axel. , Kotsogiannis, Christos. and McCorrison, Steve. (2005), "*How do Institutions Affect Corruption and the Shadow Economy?*"
- ۲۲- Elgin, Ceyhun. , Oztunali, Oguz. (2012), "*Institutions, Informal Economy and Economic Development*", Bogazici University, Department of Economics.
- ۲۳- Elgin, Ceyhun. , Oztunali, Oguz. (2012), "*Shadow Economies around the World: Model Based Estimates*", Working Papers, Bogazici University, Department of Economics.
- ۲۴- Enste, Dominik. ,(2010), "*Regulation and shadow economy: empirical evidence for 25 OECD-countries*", Constitutional Political Economy, Vol. 21, Issue 3.
- ۲۵- Fleming, Matthew. , Roman, John. And Farrell, Gr aham., (2000), "*The Shadow Economy*", Loughborough University Institutional Repository.
- ۲۶- Jamalmanesh, Arash. (2013), "*Institutional Governance Effect on the Shadow Economy in Asia*", Saussurea, Multidisciplinary International Peer Reviewed Journal.
- ۲۷- Kutcha-Helbling, Catherine. , (2000), "*Background paper- Barriers to Participation: The Informal Sector in Emerging Democracies*", Center for International Enterprise (CIPE)
- ۲۸- Lambsdorff, Johann Graf. (2007), "*The Institutional Economics of Corruption and Reform: Theory, Evidence and Policy*", Cambridge University Press.
- ۲۹- Lemieux, Pierre. , (2007), "*The Underground Economy, Causes, Extent, Approaches*", Montreal Economic Institute.
- ۳۰- Pourkazemi, Mohammad Hossein. , Sherafat, Mohammad Naser. , Delfan Azari, Zahra. , (2015) "*Modeling Iran's Underground Economy: A Fuzzy Logic Approach*", Iran. Econ. Rev. Vol.19, No.1, 2015. p. 91-106
- ۳۱- Rei, Diego. , Bhattacharya, Manas. (2008), "*the Impact of Institutions and Policy on Informal Economy in Developing Countries; an Econometric Exploration*". Working Paper, International Labour Organization (ILO)
- ۳۲- Schneider, Friedrich. , "*Out of the Shadows: Measuring Informal Economic Activity*", 2016 Index of Economic Freedom, The Heritage Foundation.
- ۳۳- Schneider, Friedrich. (2012), "*The Shadow Economy and Work in the Shadow: What Do We (Not) Know?*", Forschungsinstitut, Institute for the Study of Labor.
- ۳۴- Schneider, Friedrich. , Buehn, Andreas. (2012), "*Corruption and the shadow economy: like oil and vinegar, like water and fire?*", International Tax and Public Finance, Vol. 19, Issue 1.
- ۳۵- Schneider, Friedrich. , Buehn, Andreas. and E.Montenegro, Claudio. (2010), "*Shadow Economies All over the World New Estimates for 162 Countries from 1999 to 2007*"; World Bank.
- ۳۶- Schneider, Friedrich. , Buehn, Andreas. and E.Montenegro, Claudio. (2010), "*New Estimates for the Shadow Economies all over the World*", International Economic Journal, Vol.24, No. 4, 443-461.
- ۳۷- Schneider, Friedrich. , Hassan, Mai. , (2016), "*Size and Development of the Shadow Economies of 157 Worldwide Countries: Updated and New Measures from 1999 to 2013*", Journal of Global Economics
- ۳۸- Schneider, Friedrich. , Klinglmair, Robert. , (2004), "*Shadow Economies Around the World: What Do We Know?*", Center for Research in Economics, Management and the Arts (CREMA).
- ۳۹- Schneider, Friedrich. and Bajada, Christopher. (2009), "Unemployment and the Shadow Economy in the OECD", Revue Economique, Vol. 60
- ۴۰- Schneider, Friedrich. and Enste, Dominik. (2000), "*Shadow Economies around the World: Size, Causes and Consequences*", International Monetary Fund (IMF).

- ۴۱- Schneider, Friedrich. and Medina, Leandro. , (2017), “*Shadow Economies around the World: New Results for 158 Countries over 1991- 2015*”, first version.
- ۴۲- Schneider, Friedrich. and Torgler, Benno. (2009), “*The Impact of Tax Morale and Institutional Quality on the Shadow Economy*”, Journal of Economic Psychology, Vol. 30. , Issue 2.
- ۴۳- Schneider, Friedrich. and Williams, Colin. (2013), “*The Shadow Economy*”, The Institute of Economic Affairs.
- ۴۴- Singh, Anoop. Jain-Chandra, Sonali. and Mohammad, Adil. (2012), “*Inclusive Growth, Institutions, and the Underground Economy*”; Asia and Pacific Department; International Monetary Fund (IMF)
- ۴۵- Tanzi, Vito. , (1999), “*Uses and Abuses of Estimates of the Underground Economy*”, The Economic Journal. , Vol. 109, No. 456.
- ۴۶- Torgler, Benno. , Schneider, Friedrich. and Macintyre, Alison. (۲۰۱۱), “*Shadow Economy, Voice and Accountability and Corruption*”, Chapter 14 in Handbook on the Shadow Economy
- ۴۷- <http://info.worldbank.org/governance/wgi/index.aspx#doc>